

موانع مفهومی مبنای تعهدی در واحدهای گزارشگر بخش عمومی

محمد حسین صفرزاده بندری^۱، پرستو دهپور آتش بیک^۲

^۱ استادیار گروه حسابداری، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران، m_safarzadeh@sbu.ac.ir

^۲ دانشجوی دکتری حسابداری، دانشکده مدیریت و حسابداری، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران، Parastou.dehpour@ut.ac.ir

چکیده - هدف از این پژوهش بررسی موانع مفهومی بکارگیری حسابداری تعهدی در بخش عمومی است. روش پژوهش ما از نوع پژوهش‌های پیمایشی است. داده‌های مورد نیاز برای آزمون فرضیه‌های پژوهش، از طریق توزیع پرسشنامه بین ۲۱۷ نفر از کارشناسان حرفه‌ای و افراد آکادمیک متخصص در حوزه حسابداری دولتی گردآوری شده و با روش آزمون دو جمله‌ای مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. یافته‌های حاصل از این پژوهش بیانگر آن است که مواردی اعم از دارایی‌ها و بدهی‌های خاص دولتی، اصول و مفروضات بنیادین حسابداری، واحد گزارشگر و ارزشیابی عناصر صورت‌های مالی در بخش عمومی از دسته موانع مفهومی بکارگیری مبنای تعهدی در بخش عمومی می‌باشد. گذار به حسابداری تعهدی در بخش عمومی علاوه بر موانع عملی، عوامل مفهومی متعددی نیز دارد. گرچه شواهد پیشین به موانع عملی اشارات متعددی نموده‌اند اما موانع مفهومی از نظر پژوهشگران مغفول مانده است. اهمیت موانع مفهومی از این موضوع ناشی می‌شود که اصطلاح تعهدی مبنا و الزامات تئوریک متعددی دارد که تطابق این الزامات با بخش خصوصی نسبت به بخش عمومی بیشتر است. کلیدواژه - بخش عمومی، حسابداری تعهدی، موانع مفهومی

اما نکته مهم این است که به منظور استقرار و اجرای نظام حسابداری تعهدی باید نظام حسابداری نقدی را اصلاح نموده و ی‌آن را برای منطبق شدن با نظام جدید کاملاً تغییر داد. مضافاً، به کارگیری مبنای تعهدی در حسابداری و گزارشگری مالی، مستلزم تعریف مجموعه‌ای از حساب‌ها و ثبت‌های جدید برای تحقق اهداف خاص پیش بینی شده در آن می‌باشد (باباجانی، ۱۳۸۵). در واقع پیاده سازی مبنای تعهدی در بخش عمومی با موانع متعددی روبه روست. این موانع به دو بعد عملی و مفهومی تقسیم می‌شوند. مشکلات عملی مربوط به طراحی و پیاده سازی سیستم حسابداری تعهدی و مشکلات مفهومی نیز مربوط به تئوری‌ها و مفروضات پشتوانه سیستم حسابداری تعهدی می‌باشد. موانع عملی عبارتند از: موانع قانونی، هزینه طراحی و نصب سیستم حسابداری جدید، فقدان استانداردهای حسابداری دولتی پذیرفته شده، فقدان پرسنل حسابداری دولتی واجد شرایط؛ مقاومت در برابر تغییر، عدم وجود سیستم تشویقی مناسب، فرهنگ مدیریت بوروکراتیک، عدم سازگاری داخلی، عدم وجود فشار خارجی، عدم تعهد سیاسی، عدم اطلاع رسانی در مورد روند اصلاحات، عدم توانایی فناوری اطلاعات، و کمبود منابع مالی (ادهیکاری و نسیبک، ۲۰۱۹). همچنین موانع مفهومی عبارتند از: فقدان انگیزه سود، شناسایی و ارزیابی دارایی‌ها و بدهی‌های دولتی، شناسایی واحد گزارشگری دولتی، افزایش نرخ تورم و همچنین ابهام پیرامون نحوه کاربرد برخی

۱- مقدمه

در طول دو دهه گذشته، تعداد فزاینده‌ای از دولت‌ها شروع به فاصله‌گرفتن از حسابداری نقدی به سمت حسابداری تعهدی نموده‌اند. باگذشت زمان، تقاضای دولت‌ها و استفاده‌کنندگان برون‌سازمانی برای اطلاعات مالی پیچیده‌تر افزایش یافت. در نتیجه، اطلاعات مکمل صورت‌های مالی برای پیش بینی وجه نقد دریافتی آتی، جهت کفایت پوشش جریان‌های نقد خروجی تهیه می‌شد (کوانا و همکاران، ۲۰۱۶). اما مساله قابل توجه این است که مبنای نقدی توانایی نمایندگان مردم جهت پاسخگو نگاه داشتن دولت به سبب استفاده از منابع در اختیارش را محدود می‌سازد. در همین راستا، سیلویا همکاران (۲۰۱۸) استدلال می‌کنند که حسابداری تعهدی یکی از تکنیک‌های پاسخگویی دولت بوده که مستقل از وضعیت سیاسی و اجتماعی است. از این رو، از اواخر دهه ۱۹۸۰، حرکت قابل توجهی به سمت حسابداری بخش عمومی مبتنی بر اقلام تعهدی، به ویژه در کشورهایی نظیر استرالیا و نیوزلند شده است. علاوه بر این، ادعا می‌شود که اطلاعات ارائه شده از طریق حسابداری اقلام تعهدی، اتخاذ تصمیمات آگاهانه‌تری را در مورد تعادل بین مخارج جاری و سرمایه، با در نظر گرفتن هزینه فرصت سرمایه و مصرف آن در طول زمان امکان پذیر می‌سازد (هیندمن و کونولی، ۲۰۱۱).